

مستند المناظرین

تحقیق درباره

دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بقلم

مدافع اهل بیت (ع) سید مظهر علی شیرازی

ناشر : موسسه جواد الائمه علیهم السلام قم المقدسه

مستند المناظرین

تحقیق درباره دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بقلم

مدافع اهل بیت (ع) سید مظهر علی شیرازی

ناشر : موسسه جواد الائمه علیهم السلام قم المقدسه

نام کتاب: تحقیق درباره دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

تالیف : مدافع اهل بیت (ع) سید مظهر علی شیرازی

تاریخ : جمادی الاولی ۱۴۴۳ هـ

تعداد : ۱۰۰۰

ناشر : موسسه جواد الائمه علیهم السلام قم المقدسه

سایت: www.aljawaad.com

ای میل : mazharshirazi@yahoo.com

آدرس : قم المقدسه . موسسه جواد الائمه علیهم السلام

همراه : ۰۰۹۸ ۹۱۹۶۶۵۰۶۲۷

جمله حقوق طبع محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

از قدیم الایام در میان اهل سنت و شیعیان، درباره دختران پیامبر (ص) بحث و گفتگو است. اهل سنت میگویند دختران پیامبر حضرت محمد مصطفی (ص) چهار تن بنام زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه بودند.

و محققان شیعه میگویند که دختر صلی رسول خدا (ص) یکی بوده و آن حضرت فاطمه علیها السلام میباشد. و زینب، رقیه و ام کلثوم دختران صلی رسول خدا (ص) نبودند بلکه ربیبه (دختر خوانده) پیامبر (ص) بودند. و این مسئله دختران پیامبر (ص)، نزد اهل سنت بسیار اهمیت دارد و تبلیغات بسیار کرده اند و میکنند.

در میان اهل سنت و شیعیان راجع به این موضوع و موضوعات دیگر مناظرات زیادی انجام شده است کتب زیادی درباره این موضوع نوشته شده خصوصا در هند و پاکستان در اثر این مناظرات تعداد زیادی از اهل سنت، مذهب شیعه را اختیار نموده اند خصوصا در مسئله خلافت و

فدک^۱ ما در این رساله دلائل اهل سنت را ذکر کردیم و مورد بررسی قرار دادیم. امید است که مورد استفاده عموم قرار گیرد. در لای بلای کلمات به نکات دقیق و اشارات لطیف، اشاره نمودیم که بر اهل فن مناظره مخفی نخواهد ماند.

و السلام علی من اتبع الهدی

خادم مذهب

سید مظهر علی شیرازی

حوزه علمیه قم المقدسه

۴ / ربیع الثانی ۱۴۴۳ هـ ق

۱. تشیع کشور ایران، ثمره مناظره علامه حلی درباره مسئله طلاق و غیره، با حضور سلطان محمد خدا بنده، با علماء اهل سنت است. مخفی نماند که با خواندن کتاب حق الیقین مجلسی (ره)، بیش از صد هزار نفر اهل سنت، به مذهب شیعه گرویدند. خدا رحمت کند بر علماء سلف که برای ترویج مذهب و دفاع از آن خدماتی زیاد انجام داده اند و آنها نسبت به مذهب غیرت داشتند و اعتقادات شیعه را تحکیم نمودند.

تحقیق درباره دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

درمیان شیعیان و اهل سنت در مورد عدد دختران پیامبر(ص) بحث و گفتگو است اهل سنت میگویند پیامبر(ص) چهار دختر داشت و محققان شیعه بر این نظر اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط یک دختر داشت که حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام بوده و انصافاً حق هم همین است که دختر صلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی بوده و دیگران زینب، رقیه، ام کلثوم، ربائب النبی صلی الله علیه و آله و سلم (دختر خوانده) بودند.

و این مسئله اگرچه مربوط به تاریخ است لذا بعضی ها به آن اهمیت زیادی قائل نیستند چون نه مربوط به اصول است و نه فروع فقط جنبه تاریخی دارد.

ولی اگر در این مسأله قدری دقت کنیم می فهمیم که پشت پرده سیاست پنهانی و توطئه ای بوده و آن این است که چون امیر المؤمنین علی علیه السلام داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و بنی امیه کمال عداوت که با آن بزرگوار داشتند و اینجا هم کوتاه نیامده اند. می خواستند

فضیلت دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کم رنگ کنند تبلیغات فراوان کردند که عثمان ذو النورین است یعنی در حباله نکاح او دو دختر پیامبر(ص) است اگر دامادی فضیلت است عثمان، از حضرت علی فضیلتش بیشتر است لذا راجع به دامادی عثمان اخبار و روایات متعدده جعل کردند و به عثمان لقب ذو النورین دادند. (یعنی دارای دو نور).

و آن سه ریبیه را (زینب، رقیه، ام کلثوم را) به عنوان دختران پیامبر(ص) مشهور کردند لذا بر مورخین نیز قضیه خلط شده و بعضی از آنها هم تحت تأثیر قرار شدند و بعضی نمک خوار بنی امیه بودند و الآن هم اهل سنت بر این مسئله خیلی تاکید دارند و تبلیغات فراوان می کنند.

و به همین سبب حتی بر بعضی از علماء و اجلاء ما هم این امر مخفی گشته و آن ها هم در اثر عدم دقت در مقام، زینب رقیه و ام کلثوم را نیز دختر حقیقی پنداشتند.

ولی حق و انصاف این است که این ها دختران صلیبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبودند بلکه ربائب النبی صلی الله علیه و آله و سلم

(دختر خوانده) آن حضرت بودند لذا می خواهم یک قدری در این مسئله هم بحث کنیم تا پرده از حقایق برداریم.

مخفی نماند چون اهل سنت مدعی چهار دختر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند لذا اثبات بر عهده آن ها است و غالباً در طول تاریخ مناظراتی که بین شیعه و اهل سنت در این مسئله (بنات) رخ داده است اهل سنت مدعی بوده اند.

لذا طبق روال بحث می کنیم

همین که دلائل اهل سنت را مخدوش ساختیم. حقانیت ما خود بخود واضح و آشکار می شود و مختار و مطلوب ما ثابت می شود.

دلائل اهل سنت در مقام

در مقام، اهل سنت برای اثبات مدعای خود به ادله زیر تمسک میکنند.

۱. به آیه ی از قرآن مجید ۲. چند روایات از کتب شیعه ۳. تمسک به

بعضی سطور دعا

اینک ما ادله آن ها را یک به یک تحقیق و بررسی می کنیم و آنچه در
مقام گفته شده یا میشود گفت آنرا ذکر میکنم.

* اما القرآن یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین
سوره احزاب آیه ۵۹

بیان استدلال

در این آیه لفظ بنات بصورت جمع استعمال شده و جمع در لغت بر سه یا
بیشتر از آن دلالت می کند و اگر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم یکی بود چرا خداوند متعال اینجا کلمه بنت بصورت مفرد استعمال
نکرده بلکه به صورت جمع فرموده است این است استدلال اهل سنت از
قرآن.

اما الجواب

در ادله آتیه ثابت شده است که زینب، رقیه، ام کلثوم دختران صلبی آن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نبودند بلکه ربائب بودند. (اگر بر این

مطلب مدارک هم ارائه ندهیم برای ما مجرد احتمال دادن که آن ها ربیبه بودند بس است کما لا یخفی)

۱. ممکن است اینجا جمع تعظیمی استعمال شده باشد. کما این که در سوره مبارکه الحجر آیه ۹ آمده است انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون.

در این آیه برای خداوند متعال ضمائر و صیغه به صورت جمع آمده است حال این که خدا یکتا است.

اشکال: ممکن است کسی بگوید اینجا در آیه، ملائکه نیز شامل اند لذا ضمائر و صیغه جمع استعمال شده

پاسخ آن این است که در سوره مبارکه بقره آیه / ۳۴ خداوند متعال می فرماید و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم

در آیه قلنا جمع است و مراد فقط خدا است.

اشکال: ممکن است کسی بگوید برای خدا صیغه جمع به طور تعظیم استعمالش جائز است چون آن خالق است.

شما برای مخلوق استعمال صیغه جمع برای واحد (مفرد) ارائه بدهید.

پاسخ آن این است که در سوره مومنون آیه ۵۱ برای مخلوق (مفرد) نیز صیغه جمع استعمال شده.

يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا اني بما تعملون علیم

در این آیه مخاطب، رسل (به صورت جمع) اند حال این که مراد فقط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند کما اینکه در تفسیر الاتقان سیوطی به همین مطلب تصریح شده ما از اهل سنت سؤال میکنیم که سوره مؤمنون که مکی است در مکه وقت نزول آیت چند تا رسول بودند در پاسخ یقینا خواهند گفت یکی بود.

و الشاهد علی ذلک (برجمع تعظیمی)

۱. که برای حضرت فاطمه سیده نساء اهل الجنة جمع استعمال شده کما

فی آیه المباهله فافهم جيدا

۲. ممکن است در این آیه / ۵۹ سوره احزاب مراد از بنات، دختران سادات باشند زیرا حکم حجاب تا روز قیامت است همچنانکه در آیه دیگر حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم سوره نساء آیه / ۲۳.

این معنی را (منظور از بناتکم بنت البنت هم هست) می رساند

۳. بر ریبیه نیز اطلاق بنت (دختر) مجازا صحیح است.

(تذکر) مخفی نماند که در هر مقام لفظ بنات استعمال شده باشد دختران حقیقی مراد نمی باشند و شاهد بر این مطلب قول حضرت لوط پیامبر است که خداوند متعال آن را در قرآن مجید ذکر کرده است.

قال يقوم هولاء بناتی هن اطهر لکم. (سوره هود آیه / ۷۸)

گفت ای قوم این گروه دختران من ایشان پاکیزه تراند برای شما

و اینها دختران حقیقی حضرت لوط نبودند بلکه مراد دختران امت ایشان بودند مخفی نماند که پیامبر چون برای امت، به منزله پدر میباشد لذا دختران امت را به خود نسبت داده است و دختران صلبی و حقیقی حضرت

لوط فقط دو نفر بودند بنام ریتا و رغوثا ملاحظه شود تفسیر الاتقان
سیوطی ج ۲، ص ۲۸۶. النوع السبعون فی المبهمات.

دلیل دوم اهل سنت :

دلیل دوم اهل سنت چند روایت است که اهل سنت آن ها را برای اثبات
مدعای خود ارائه می دهند. میگویند در کتب خود شما شیعیان نوشته است
که دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهار تن بودند.
و یکی از آن روایات، روایت اصول کافی است و آن این است.

فولد له قبل مبعثه علیه السلام القاسم و رقیه و زینب و ام کلثوم (اصول
کافی کتاب الحجه ابواب التاریخ باب مولد النبی صلی الله علیه و آله و
سلم)

و الجواب اولاً: این روایت در ابواب تاریخ نقل شده که به تاریخ مربوط
است و این روایت از معصوم نقل نشده.

ثانیاً: در این باب تاریخ، روایات بلا تحقیق نیز نقل شده اند. مانند اولین
روایت آن، که در آن نقل شده که ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله

و سلم ۱۲ دوازده ربیع الاول بوده حال آنکه مشهور نزد شیعه این است که ولادت آن بزرگوار هفده ربیع الاول است.

و ثالثاً: البته ممکن است روایت ۱۲ ربیع الاول نظر شخصی مرحوم کلینی باشد و ایشان نظریه جمهور عامه را نقل کرده باشند چنانچه علامه مجلسی میفرمایند که اظهر اخیر است یعنی تقیه نقل کرده است (مرأه العقول ج / ۵، ص ۱۷۰).

و رابعاً: اهل سنت برای اثبات مدعای خود روایت صحیح السند ارائه بدهند نه که مجهول السند کما فی المقام.

و خامساً: در اصول کافی کتاب الحجه باب مولد الزهرا فاطمه علیها السلام موجود است و لیکن به اسم هیچ یک از دختران دیگر موجود نیست. سادساً: از ظاهر عبارت اصول کافی معلوم می شود که رقیه دختر بزرگ تر بوده و حال این که نزد اهل سنت، زینب دختر بزرگ است.

مخفی نماند در میان اهل سنت راجع به این، دختران اختلاف شدید است که کدام یک از آن ها بزرگ تر بوده و این اختلاف بذات خود موجب وهن روایات اهل سنت است. فافهم جيدا.

* یکی از روایات ارائه داده شده اهل سنت، روایت حیوه القلوب است در آن ذکر چهار دختر آمده این روایت را مناظرین اهل سنت با آب و تاب در مناظرات و مجالس خود ارائه می دهند.

اما الجواب

این روایت از قرب الاسناد است که مجلسی «ره» از آن گرفته است در سند این روایت مسعدة بن صدقه است و آن سنی بود.

قال الشيخ انه عامی و قال الكشي انه بتری (رجال علامه حلی الباب الثامن عشر فی الاحاد سته عشر رجلا، ص ۲۶۰).

شیخ فرمود که او سنی بود و جناب کشی فرموده و آن بتری بود مخفی نماند بتری نیز یکی از فرقه های اهل سنت است.

نیز مخفی نماند که علامه حلی ذکر این راوی را در کتاب خود در قسمت دوم در رواه ضعیف نقل کرده است.

و عنوان آن را این گونه ذکر نموده است.

القسم الثانی فی کتاب المرسوم بخلاصه الاقوال فی معرفة الرجال و هذا القسم مختص بذكر الضعفاء ص ۱۹۷ رجال علامه حلی (رض).

وقتی راوی این روایت از اهل تسنن شد پس مدعای اهل سنت از چنین روایتی هرگز ثابت نخواهد شد.

بنابر این، بر اهل سنت لازم است در مقام مناظره روایتی از عدل امامی ارائه دهند زیرا که اصول مناظره این گونه تقاضا میکند.

ان قلت. که مجلسی در اول روایت بسند معتبر تعبیر کرده است قلنا در مرآة العقول در مقامات متعدد هر کجا که روایت مسعده بن صدقه آمده ایشان تضعیف کرده است، و ثانیاً بر فرض صحت سند لازم نمی آید. که متن (دلالت) روایت هم صحیح باشد چنانچه خود اهل سنت تصریح کرده

اند الحكم بالصحة و الحسن على الاسناد لا يلزم منه الحكم بذلك على
المتن^۱ و بحث اصلی ما در متن روایت است. فافهم و اغتتم.

* یکی از روایات ارائه داده شده اهل سنت یک روایت دیگر حیوه القلوب
است که آنها آن را برای اثبات مدعای خود ارائه می دهند و آن روایت
این که ابن ادریس بسند صحیح از امام باقر علیه السلام روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دختر بدو منافقان داد.

امّا الجواب

اولاً: در این روایت ذکر چهار دختر نیست که مدعای اهل سنت است.
و ثانیاً: از اهل سنت سؤال این است که این روایت را قبول دارید یا ندارید
اگر این روایت را صحیح میدانید و قبول دارید پس لازم است که تمام
مضمون این را بپذیرید در این صورت آن دو نفر را باید منافق بدانید که
برای اهل سنت این امر بسیار ناگوار است و اگر این روایت صحیح نیست

^۱ . الباعث الحیثیت شرح اختصار علوم الحدیث، ص ۴۳ طبع بیروت.

و آن را قبول ندارید به جای چهار دختر، اثبات دو دختر نیز از آن ثابت نخواهد شد. فتامل جیداً و ثالثاً اینجا هم مراد از دختر ربیبه می باشد.

و منها اینجا بطلان یک روایت دیگر نیز روشن می شود که در آن آمده عثمان همراه با زوجه خود رقیه به طرف حبشه هجرت کرد چون در همین کتاب حیوه القلوب نقل شده که عثمان با رقیه در مدینه تزویج کرد و هجرت قبل از آن بوده چه طور عثمان زوجه خود را همراه برد این بود اشکال بعضی ها. فتامل

* یکی از روایات ارائه شده در مقام روایت خصال است

اما الجواب: در سلسله رواه (راویان) این سند علی بن ابی حمزه بطائنی است و آن ضعیف است در مذمت آن شخص الفاظ مختلف نقل شده است واقفی . کذاب، متهم، ملعون

قال ابن الغضائری علی بن ابی حمزه لعنه الله اصل الوقف و اشد الخلق عداوه للولی من بعد ابی ابراهیم علیه السلام

روی الکشی فی ذمه روایات کثیره^۱

* بر مناظرین مخفی نماند که پاسخ روایت مناقب آل ابی طالب (شهر آشوب) این است که اولاً این روایت بلا سند نقل شده.

و ثانیاً در مقدمه این کتاب تصریح آمده که در این کتاب روایات از عامه (اهل سنت) و خاصه نقل شده.

و ثالثاً خود مولف کتاب از چند کتب ربیبه بودن زینب و رقیه را نوشته است.

* یکی از دلائل اهل سنت برای اثبات مدعای خود یک جمله از نهج البلاغه است که در آن امیر المومنین علیه السلام به عثمان نصیحت کرده میفرماید وقد نلت من صهره مالم ینالا . ازین جمله اهل سنت تمسک کرده اند که عثمان، بقول حضرت علی مرتضی علیه السلام داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

^۱ . جامع الرواء ج ۱ ، ص ۵۴۷.

اما الجواب امام عليه السلام اینجا من تبعیضیه استعمال کرده است چون در نکاح ایشان دختر صلبی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نبودند و ایشان داماد حقیقی هم نبود.

برای حضرت علی مرتضی علیه السلام همین لفظ صهر بدون من استعمال شده که در صحیح مسلم^۱ آمده چون حضرت علی علیه السلام داماد حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود لذا لفظ صهر بدون من استعمال شده در زوجیت عثمان دختران صلبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبودند بلکه ربیبه (دختر خوانده بودند) لذا با من تبعیضیه استعمال شده، یعنی نوعی داماد بود نه که داماد حقیقی نیز مخفی نماند آیه قرآن مجید "هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا" را پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه نکاح حضرت علی مرتضی علیه السلام قرائت کرده بود.^۲

^۱ . صحیح مسلم کتاب الزکوة باب تحرم الزکوة علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هم بنو هاشم و بنو عبد المطلب دون غیرهم.

^۲ . ذخائر العقبی ص ۳۰ ذکر تزویج فاطمه علیها السلام و کتب دیگر.

خلاصه الکلام این است که با این روایات شش یا هفت گانه ارائه داده شده از طرف اهل سنت برای اثبات مدعای خود نمی توانند مدعای خود را ثابت نمایند چون بعضی از آن ها بلا سند و بعضی ها سند شان ضعیف است.

بر فرض صحت سند هم مدعای اهل سنت ثابت نمیشود زیرا که اطلاق (استعمال) بنت بر ربیبه نیز صحیح است و در روایات مراد از بنات ربائب هستند (دختر خوانده پیامبر ص) که زینب، رقیه، ام کلثوم ربیبه بودند نه که دختران صلبی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم.

* اهل سنت برای اثبات مدعای خود به یک صلوات (دعا) در مفاتیح الجنان نیز استدلال میکنند.

اما الجواب. اولاً سؤال این است که آیا این (صلوات) دعا. از معصوم نقل شده است؟

و ثانیاً: در این صلوات فقط ذکر سه دختر آمده است و اسم ای از دختر
چهارم نیست حال این که مدعای اهل سنت این است که دختران پیامبر
صلی الله علیه و آله و سلم چهار تن بودند.

و ثالثاً: رقیه و ام کلثوم را چه کسی اذیت کرد که به خاطر آن بر اذیت
کننده لعنت شده (در این صلوات)

و رابعاً: چون بر ربیبه نیز اطلاق بنت (مجازاً) صحیح است لذا این جا هم
مراد ربیبه هستند.

با وجود این همه احتمالات مدعای اهل سنت ثابت نمی شود کما لا یخفی
تذکر: ما، در اثناء بحث به نکته های لطیف اشاره کردیم که از آن نکته
ها جواب اعتراض و شبهات دیگر هم در ضمن این نکته ها معلوم میشود.
کسانیکه به اصول مناظره آشنا هستند، اهمیت این نکات بر آنها به خوبی
آشکار است.

بنات یا ربائب

حقیقت چیست؟

حقیقت امر این است که رقیه، زینب دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه، بودند بعد از وفات شوهر هاله این دو (کودک) نزد مادرشان بودند چون هاله از نظر مادی فقیر و تنگ دست بود. و حضرت خدیجه الکبری چون ثروتمند بود آن ها را به منزل خود آورد و کفالت آن ها را کرد و در ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه هاله واسطه بود بعد از مدتی هاله فوت کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه آن دختران را پرورش و کفالت کردند.

در زمان جاهلیت رسم عرب ها این بود که اگر کسی یتیمی را پرورش میداد آن یتیم را به مریش نسبت می دادند و آن فرزند خوانده او محسوب میشد.

کما این که تصریح همین مطلب در کتاب الاستغاثه آمده است.

صح لنا فيهما ما رواه مشايخنا من اهل العلم عن الائمة من اهل بيت عليهم السلام و ذلك ان الرواية صحت عندنا عنهم انه كانت لخديجة بنت خويلد من امها اخت يقال لها هاله و خلفت الطفلتين زينب و رقيه فى حجر رسول الله. و حجر خديجه فريبا هما و كان من سنه العرب فى الجاهليه من يربى يتيما ينسب ذلك اليتيم اليه (الاستغاثه ابى القاسم الكوفى، ص ٧٦).

به همين مضمون عبارتى را در كامل بهائى جزء الاول ص ٢٦٤ . ٢٦٥

ميتوانيد ملاحظه فرمائيد

عبارت طرائف

ومن طرائف عصبية بعضهم لعثمان انهم يسمونه بعد هذا الاجماع على خلعه و قتله و استحلال دمه ذالنورين أى أنه تزوج بأبنتى رسولهم مع اختلاف الناس فى اللتين تزوج بهما هل كانتا ابنتى رسولهم او ربيبتين لخديجة و رباهما نبيهم و يكون على بن ابى طالب عليه السلام قد تزوج بفاطمه سيده نساء العالمين بلا خلاف بينهم ولد منها الحسن و الحسين عليهما السلام وهما سيد اشباب اهل الجنة كما شهدوا و يكون على عليه السلام ايضا اول هاشمى ولد من هاشميين و أنه أحد الثقلين المقدم ذكرهما و مع ذلك كله

فلا يكون على بن ابي طالب عليه السلام ذالنورين ولا ذالنور، ان ذلك من طرائف العصبية و سوء الاغراض الدنيوية.^۱

خلاصه عبارت این که راجع به آن دو دختر اختلاف است آیا دختر حقیقی بوده اند یا ربیبه. دختر خوانده. حال آنکه امیر المؤمنین علی علیه السلام با دختر صلبی رسول خدا ازدواج کرد و ایشان را اهل سنت ذوالنور ملقب نکرده اند. و مشهور کردن عثمان را ذوالنورین از باب سوء غرض های دنیویه است.

محقق عالیقدر آقای سید عبد الحسین طیب در کتاب خود

الکلم الطیب ص ۴۴۰ . ۴۴۱ راجع به دامادی عثمان مینویسد اما این که ذوالنورین بوده نیز اصل معتبری ندارد زیرا این دختران که عثمان تزویج کرد نه دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و نه خدیجه بودند بلکه دختران هاله خواهر خدیجه و پدر آن ها از بنی مخزوم بود چون پدر آن ها از دنیا رفت و هاله فقیر و بی شوهر بود خدیجه آن دو دختر را تکفل

۱ . الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف ص ۴۹۸ . ۴۹۹ طبع قم . تالیف رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی ابن طاؤس الحسنی الحسینی المتوفی ۶۶۴ ه .

نمود و هاله نیز که از دنیا رفت این ها در خانه خدیجه بودند و پس از رحلت خدیجه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متکفل آن ها شد و مثل آن ها نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مثل زید است نسبت به ایشان که این پسر خوانده آنحضرت و آن ها دختر خوانده ایشان بودند. مخفی نماند قریب به همین مضمون را بسیاری از محققین تصریح کرده اند ان شئت التفصیل فراجع الی مظانه.

و علامه جعفر مرتضی عاملی نیز بر این عقیده است که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی بود و راجع به همین موضوع رساله ای بنام (بنات النبی أم ربائبه) تألیف نموده است.

ازاله شبهه: بر شما مخفی نماند ممکن است اینجا کسی بر شما اعتراض کند که فرزند پیامبر(ص) بودن زید را قرآن نفی کرده و حال آن که نفی دختران نشده.

پاسخش این است که نفی فرزند بودن زید زمانی واقع شد که درمیان مردم شبهه ایجاد شده بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با

زن پسر (خود) ازدواج کرده، برای ازاله شبهه خداوند متعال فرزند بودن زید را نفی کرد بخلاف ربائب النبی (ص) که اینجا جای اعتراض ای نبود فافهم و اغتنم.

کلامی روشن تر. که این ها دختران صلبی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نبودند روی احمد البلاذری و ابو القاسم الکوفی فی کتابیها و المرتضی فی الشافی أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم تزوج بها و کانت عذرا و یؤكد ذلك ما ذکر فی کتابی الانوار و البدع ان رقیه و زینب کانتا ابنتی هاله اخت خدیجه.

خلاصه این که در کتاب انوار و بدع نقل شده که این دو دختر، دختران هاله خواهر حضرت خدیجه بودند.^۱

البته بعضی ها میگویند که این ها دختران حضرت خدیجه از شوهر قبلی بودند ولی بلاذری و ابو القاسم در کتاب های خود و سید مرتضی در شافی

^۱ . بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۲ (که ایشان از مناقب ابن شهر آشوب نقل کرده است) مرأه العقول، ج ۵، ص ۱۷.

روایت کرده اند که حضرت خدیجه علیها السلام در وقت ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باکره بود.

تذکر : قول باکره بودن حضرت خدیجه در وقت ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر قرائن و شواهد اقرب به نظر میرسد اهل تسنن می خواهند با تبلیغ ثبیه بودن حضرت خدیجه، عائشه را که بقول آنها باکره بوده به رخ ایشان بکشند و عائشه را با فضیلت تر از حضرت خدیجه جلوه دهند.

تصریحات اهل سنت در مقام

و کانت قبله عند ابی هاله بن مالک أحد بنی أسید بن عمرو بن تمیم حلیف بنی عبد الدار فولدت له هند بن أبی هاله و زینب بنت أبی هاله (السیره النبوه لابن هشام جزء رابع باب ذکر ازواجه صلی الله علیه و آله و سلم ص ۲۹۳، طبع مصر) .

و مؤید این مطلب، روایت اهل سنت است و روی انها نزلت حین صاح النبی صلی الله علیه و آله و سلم علی ولد خدیجه (تفسیر کبیر رازی ج ۳۱. ص ۳۲ ذیل آیه فاما الیتیم فلا تقهر سوره الضحی).

روایت شده که این آیه هنگامی نازل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به اولاد (سابقه) خدیجه فریاد کشید.

پس معلوم شد که این ها دختران صلیبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبودند بلکه ربائب النبی صلی الله علیه و آله و سلم بودند و مؤید این مطلب عبارت تفسیر نیشاپوری است که در ذیل آیه ربائبکم اللتی آمده
كما تقول بنات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من خدیجه.

نتیجه: به هر حال این ها دختر هاله باشند یا دختر خدیجه از شوهر قبلی باشند چنانچه هشام بن کلبی در کتاب خود نوشته است^۱ این قدر مسلم و متیقن است که این ها دختران صلیبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبودند و مطلوب ما نیز اینجا اثبات همین مطلب است چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این دختران را در خانه خود تربیت کردند و طبق رسم عرب که هر کس که یتیمی را پرورش میکرد آن ها را به او

^۱ . مثالب العرب، ص ۲۷ (وقال قوم بان زوجتی عثمانی (رقیة و أم کلثوم) بنتا خدیجه من غیر النبی صلی الله علیه و آله و سلم ثم کتب الأمویون بانهما بنتا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لانهما تربتا فی حضنه).

منسوب میکردند لذا این دختران را بنات النبی صلی الله علیه و آله و سلم میگفتند و حال این که این ها ربائب النبی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. و علت دوم این که بنو امیه این ربائب را به عنوان بنات النبی (دختران النبی صلی الله علیه و آله و سلم) مشهور کردند برای این است تا عثمان را که از آن ها بود بر حضرت علی علیه السلام برتری بدهند.

چون در نکاح حضرت علی مرتضی یک دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام بود خواستند که بگویند در نکاح عثمان دو دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. لذا سیاست اموی او را به لقب ذوالنورین (دارای دو نور) مشهور کردند (البته بعضی ها وجوه دیگر را نیز در ذوالنورین گفته اند) و حال این که کسانی که در نکاح عثمان بودند این ها قبل از او در نکاح دو کافر عتبه و عتیبه پسران ابو لهب بودند از این دامادی چه فضیلتی ثابت می شود؟

(حتی در بعضی کتب اهل سنت آمده که ازدواج عثمان با رقیه در زمان جاهلیت شده) و این چه دامادی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را در داخل شدن قبر رقیه منع کرده است. کما فی صحیح البخاری

. پس بنا بر این دو وجه، عموم مردم خیال کردند که این ها واقعا دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند حتی بر بعضی علماء و بزرگان ما نیز این امر خلط شده.

روی این مسئله ما بین مناظرین شیعه و اهل سنت بحث زیادی شده محققین شیعه بر این عقیده اند که دختر صلبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکی بود و به همین مطلب در بسیاری از مناطق دنیا شیعیان معتقدند لذا از نویسندگان محترم تقاضا میشود که اگر خواسته باشند مسائل مناظره را مورد بحث قرار بدهند به تمام جهات متوجه باشند و اینکه بعضی ها در کتب خود بدون تحقیق مینویسند دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهار تن بودند تحقیقات کسانی را که در این مقام زحمات زیادی را متحمل شده اند به باد داده اند.

مخفی نماند که اهل سنت نمیتواند تصریح چهار بودن دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از کتب صحاح سته خودشان ثابت نماید و نمیتواند از قرآن مجید ثابت نمایند در حالی که اهل سنت در تمامی مسائل از ما مطالبه دلیل قرآنی میکنند و حال آنکه در صحیح بخاری باب مناقب فاطمه

عليها السلام و در ترمذی باب اهل بیت موجود است ولی باب زینب، رقیه،
ام کلثوم نیست و حال آن که برای هند مادر معاویه بایی در بخاری آمده
است آیا این سه دختر به اندازه هند هم اهمیت نداشتند که ذکر از آن ها
بشود؟ فافهم ولا تغفل عن اصول المناظره و المجادله.

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی بود

عن ابی الحمراء ان رسول الله قال لعلی او تیت ثلاثا لم یوتهن احد ولا انا
او تیت صهرا مثلی ولم اوت انا مثلی اوتیت زوجه صدیقه مثل ابنی ولم
اوت مثلها زوجه او تیت الحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام من
صلبک ولم اوت من صلبی مثلها ولکنکم منی و انا منکم.

از ابی الحمرا روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به
حضرت علی علیه السلام فرمودند سه چیز به تو داده شده است که حتی
به من هم داده نشده است. یکی این است که هیچ کس پدر زنی مثل تو
ندارد، دوم: اینکه زنی به تو داده شده که به هیچکس مانند آن زن داده
نشده است. سوم: اینکه از صلب تو حسن علیه السلام و حسین علیه السلام

بوجود آمدند که حتی از صلب من هم مانند آن دو بوجود نیامده است ولی
شما از من و من هم از شما هستم.^۱

اما الدرایه در روایت فوق آمده که ای علی علیه السلام به تو سه چیز
داده شده که به هیچ کس داده نشده یکی از آنها این بود که ترا مثل من
پدر زن داده شده.

و این فضیلت به کسی دیگر داده نشده اگر رقیه، ام کلثوم دختران حقیقی
و صلبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند چرا عثمان اعتراض نکرد
که یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این فضیلت برای من هم هست
بلکه دوبار شما پدر زن من شده ای.

اگر عثمان در آن مجلس حاضر نبود چرا صحابه اعتراض نکردند که یا
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این فضیلت عثمان دوبار شریک
است آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در موقع فرمودن این
فرمایش نعوذ بالله غافل بودند یا فراموش کرده بودند؟ هرگز هرگز اگر در

^۱ . ریاض النظره فی مناقب العشره المبشره ، ج ۲، ص ۲۰۲ طبع مصر.

خلوت این فضیلت را به حضرت علی علیه السلام فرموده بود چرا حضرت علی علیه السلام اعتراض نکرد که شما یک داماد دیگر هم داری.

نتیجه این که بعد از ملاحظه همه این سخن ها معلوم می شود که دختر صلبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی بود وهو المطلوب

خلاصه الکلام ابن شد که زینب، رقیه، ام کلثوم ربائب النبی صلی الله علیه و آله و سلم (دختر خوانده) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و دختران صلبی و حقیقی آنحضرت (ص) نبودند.

و ادله اهل سنت که برای اثبات مدعای خود آورده بودند دلالت بر مدعای آن ها نمیکنند.

بعباره اخری همین که احتمال ربیبه بودن را دادیم استدلال آن ها باطل میشود علاوه بر آن ما در تمامی ادله آنها هم مناقشه کرده ایم.

تذکر بعضی از مناظرین برای اثبات اینکه دختر صلبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکی بود به آیات متعدده قرآن مجید در مقام تمسک و استدلال کرده اند البته به نظر حقیر بعضی از آن ها صلاحیت دلیل بودن را

دارند و بعضی صلاحیت مؤید بودن را دارند. من اراد الاطلاع علیها
فلیراجع الی مظانه و نیز از بسیاری از روایات اهل سنت استفاده میشود
که دختر صلبی رسول خدا (ص) یکی بود.

در دعوت ذوالعشیره که (و انذر عشیرتک الاقربین) پیامبر صلی الله علیه
و آله و سلم همه خانواده خود را جمع نمود و در روایات اهل سنت آمده
است که اسم حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام را آنجا برد و هیچ نام و
نشانه ای از بودن زینب، رقیه و ام کلثوم در آن مجلس نیست. ان شئت
التفصیل فراجع الی صحیح البخاری.

اینجا لازم به ذکر میدانم که جواب یکی از روایات اهل سنت که آن را
مناظرین اهل سنت در جمع خودشان با خیلی آب و تاب ارائه میدهند و
میگویند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اگر من چهل دختر
هم داشتم همه را یکی بعد دیگری به نکاح عثمان در می آوردم.

اما الجواب ما اینجا اصل روایت را در محضر محققین و مناظرین و
خوانندگان عزیز ارائه میکنیم و خواهید دید که سند این روایت ضعیف
است.

روایت سهل بن عثمان حدثنا النضر بن منصور حدثنا ابو الجنوب سمعت
علیا سمعت النبی صلی الله علیه و آله و سلم يقول لو كان لی اربعون بنتا
زوجت عثمان واحده بعد واحده حتی لا تبقى منهن واحده.

اما السند در سلسله سند نضر بن منصور است و آن ضعیف است.

قال البخاری منکر الحدیث . قال النسائی ضعیف.

امام بخاری گفته که نضر بن منصور منکر حدیث است امام نسائی گفت
که نضر بن منصور ضعیف است (میزان الاعتدال ذهبی، ج ۵، ص ۳۸۹ طبع
مصر ذکر النضر).

اما الدرايه و فقيه ما لا يخفى على اولی الباب مضافا این که اگر امر چنین
بود چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دختر خود حضرت فاطمه
الزهرا علیها السلام را در نکاح امیر المؤمنین حضرت علی داد حتی که

سرداران قریش و خود شیخین برای حضرت فاطمه علیها السلام
خواستگاری کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدا امتناع کرد.^۱
بلکه اسلام ایشان (عثمان) به خاطر تزویج با رقیه بوده عجب این است که
این کثیر دمشقی این داستان را در کتاب خود نوشته است ملخص آن این
که رقیه دارای جمال بود و عثمان بسیار مایل بود که با او تزویج کند
وقتی شنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در نکاح پسر
ابو لهب در آورد. بسیار متأسف گردید و با حال ناراحتی و پریشانی به
خانه اش برگشت و در خانه خاله خود را که کاهنه (جادوگر) بود دید وقتی
ایشان عثمان را در آن حال تاسف دید گفت که توبه مقصودت خواهی
رسید عثمان گفت آخر رقیه با کس دیگر ازدواج کرده است چگونه به
مقصود میرسم گفت برو اسلام را قبول کن تا ببین (و عثمان رفت و بظاهر

۱. مرقاه شرح مشکوٰۃ ملا علی قاری ج ۱۱، ص ۳۵۰ طبع دار الکتاب الاسلامی
قاهره و کتب دیگر.

اسلام را قبول کرد) ^۱ این است حقیقت اسلام ایشان و دامادی او از کتب خود اهل سنت.

تذکر: در فضیلت عثمان، اهل سنت در کتب خودشان چند روایات ذکر کرده اند و آن ها را بین مردم با آب و تاب میخوانند و همه آن روایات موضوعی، جعلی، و دروغ میباشند که در باریان آن ها را جعل کرده اند و ما همه آن روایات را با ذکر سندشان در رساله تحقیقی خود (الموضوعات فی الثلاثة و معاویه ذکر کردیم و از کتب رجالی خود اهل سنت ثابت نمودیم که این روایات جعلی اند و هیچ واقعیتی ندارند.

^۱ . البدایه و النهایه ابن کثیر دمشقی، ج ۷، ص ۲۰۹ طبع دار الکتب العلمیه بیروت و کتب دیگر.

اساتید مؤلف

۱- آیه الله العظمی آقای وحید خراسانی مدظله العالی درس خارج اصول دوره کامل و بخشی از خارج فقه.

۲- آیه الله العظمی آقای شیخ جواد تبریزی (رح) خارج اصول بحث الفاظ و بخشی از خارج فقه.

۳- آیه الله العظمی آقای مکارم شیرازی مدظله العالی خارج اصول دوره کامل و خارج فقه.

۴- آیه الله العظمی آقای سید ابو القاسم کوکبی (رح). خارج فقه.

۵- آیه الله العظمی آقای صافی مدظله العالی خارج فقه.

۶- آیه الله العظمی آقای علوی گرگانی مدظله العالی خارج فقه.

۷- تنقیح مبانی: آیه الله العظمی آقای سید محمد مفتی الشیعه (رح) و راجع به موضوعات مختلف از آیه الله شیخ مصطفی نورانی (رح) استفاده فراوان نموده است.

مؤلف این رساله، اجازات مراتب عالیہ علمیه را از چند تن بزرگان حوزه علمیه کسب نموده است.

آثار مؤلف مطبوعه و غير مطبوعه

ناشر : موسسه جواد الائمه عليهم السلام

۱. وضوء النبي ﷺ
۲. صلاة النبي ﷺ
۳. صراط النجاه
۴. اجوبة الاسئلة
۵. عقائد الشيعة
۶. مستند المناظرين
۷. علمي رسائل
۸. رساله عزاداري امام حسين^۳
۹. فضائل صلوات
۱۰. فضائل الشيعة
۱۱. الموضوعات
۱۲. قواعد الحديث و اصطلاحاته
۱۳. كردار بنو اميه
۱۴. آداب الدعاء
۱۵. دفع الشبهات عن الامام المهدي^۴
۱۶. دفع الشبهات عن ايمان سيدنا ابى طالب^{۳۱}
۱۷. دفع الشبهات عن الاجتهاد و التقليد
۱۸. پاسخ به شبهات و اعتراضات به عزاداري امام حسين عليه السلام
۱۹. تحقيق در نماز جنازه رسول ﷺ
۲۰. رساله في صلاة العيدين
۲۱. رساله في صلاة الجمعة
۲۲. الشهادة الثالثة
۲۳. تفسير آيه تطهير
۲۴. التحقيق في آيه الغار
۲۵. سياه پوشي
۲۶. الحاشيه على منهاج الصالحين
۲۷. التعليقه على كتاب الطهاره و الصلاه و
۲۸. مولود كعبه
۲۹. اعتقادي مسائل
۳۰. تحقيق در عقد ام كلثوم بنت علي عليه السلام
۳۱. تحقيق درباره دختران پيامبر ﷺ (رساله هذا)

آثار مؤلف مطبوعه و غير مطبوعه

ناشر : موسسه جواد الائمه عليهم السلام

- | | |
|---|---|
| ۱. وضوء النبی ﷺ | ۱۸. پاسخ به شبهات و اعتراضات به عزاداری |
| ۲. صلاة النبی ﷺ | امام حسین علیه السلام |
| ۳. صراط النجاة | ۱۹. تحقیق در نماز جنازه رسول ﷺ |
| ۴. اجوبة الاسئلة | ۲۰. رساله فی صلاة العیدین |
| ۵. عقائد الشيعة | ۲۱. رساله فی صلاة الجمعة |
| ۶. مستند المناظرین | ۲۲. الشهادة الثالثة |
| ۷. علمی رسائل | ۲۳. تفسیر آیه تطهیر |
| ۸. رساله عزاداری امام حسین | ۲۴. التحقيق فی آیه الفار |
| ۹. فضائل صلوات | ۲۵. سیاه بوشی |
| ۱۰. فضائل الشيعة | ۲۶. الحاشیه علی منهاج الصالحین |
| ۱۱. الموضوعات | ۲۷. التعلیق علی کتاب الطهارة و الصلاة و |
| ۱۲. قواعد الحديث و اصطلاحاته | الحج من العروة الوثقى |
| ۱۳. کردار بنو امیه | ۲۸. مولود کعبه |
| ۱۴. آداب الدعاء | ۲۹. اعتقادی مسائل |
| ۱۵. دفع الشبهات عن الامام المهدي | ۳۰. تحقیق در عقد ام کلثوم بنت علی علیه السلام |
| ۱۶. دفع الشبهات عن ايمان سيدنا ابي طالب | ۳۱. تحقیق درباره دختران پیامبر ﷺ (رساله هنا) |
| ۱۷. دفع الشبهات عن الاجتهاد و التقليد | |